



امام باقر (ع) پایه گذار انقلاب فرهنگی اهل بیت (ع)

امام باقر (ع) پایه گذار انقلاب فرهنگی اهل بیت (ع) بنا به نقل معتبرتر سوم صفر سالروز میلاد امام باقر (ع) است. امام (ع) در سال ۵۷ ه. ق در مدینه قدم به عرصه حیات گذاشتند و درحالی که ۳ سال بیشتر نداشتند، در کربلا حضور یافتند و در خردسالی شاهد شهادت جد بزرگوار، عموها و بسیاری دیگر از خاندان پیامبر (ص) و اسارت پدر بزرگوار و عمه شان حضرت زینب (س) بودند.

امام باقر (ع) پایه گذار انقلاب فرهنگی اهل بیت (ع) بنا به نقل معتبرتر سوم صفر سالروز میلاد امام باقر (ع) است. امام (ع) در سال ۵۷ ه. ق در مدینه قدم به عرصه حیات گذاشتند و درحالی که ۳ سال بیشتر نداشتند، در کربلا حضور یافتند و در خردسالی شاهد شهادت جد بزرگوار، عموها و بسیاری دیگر از خاندان پیامبر (ص) و اسارت پدر بزرگوار و عمه شان حضرت زینب (س) بودند. آن حضرت در سال ۸۴ ه. ق و پس از شهادت امام زین العابدین (ع) منصب امامت و هدایت امت را برعهده گرفتند و تا سال ۱۱۴ ه. ق که توسط هشام بن عبدالملک به شهادت رسیدند، این منصب را عهده دار بودند. بنا به نظر سیره شناسان در دوران امامت ایشان شیعه تشکل یافت و هویت مکتبی به خود گرفت. زمینه آن هم باتلاش های بسیار امام زین العابدین (ع) و امامان پیش از ایشان، فراهم شده بود و امام باقر (ع) با تداوم این راهبرد و نشر علوم و معارف قرآن و اهل بیت (ع) و تربیت شخصیت های بسیار، هسته شیعه متشکل کرد و به صورت شجره طیبه ای درآورد و در برابر سایر مکاتب پا به عرصه گذاشت.

علیرضا نعمتی نویسنده و پژوهشگر علوم دینی همزمان با سالروز میلاد امام محمد باقر (ع) در گفت و گو با خراسان درباره سجایای اخلاقی و زندگی این امام بزرگوار (ع) می گوید: نام مبارک آن بزرگوار محمد و لقب مشهور ایشان باقر است که حضرت رسول (ع) آن حضرت را طی روایاتی به این نام ملقب فرمودند. کنیه مشهور آن حضرت، ابی جعفر و عمر مبارک ایشان مثل عمر پدر بزرگوار و جد بزرگوارشان امام حسین (ع) پنجاه و هفت سال بود. وی می افزاید: امام باقر (ع) دو امتیاز ویژه دارند. اول این که جد پدری ایشان امام حسین (ع) و جد مادری آن حضرت امام حسن (ع) است. از این رو در حق ایشان گفته شده است علوی من علویین و فاطمی من فاطمیین و هاشمی من هاشمیین.

مادر ایشان فاطمه دختر امام حسن (ع) زنی بسیار عالم بود. ویژگی دیگر این که ایشان پایه گذار انقلاب فرهنگی شیعه محسوب می شوند. اگرچه انتشار معارف شیعه توسط امام صادق (ع) انجام شد ولی به دست امام باقر (ع) پایه گذاری شد. وی خاطرنشان می کند: در دوران امام باقر (ع) دولت بنی امیه رو به زوال بود و مردم از آنها متنفر بودند. به علت اختلافات شدیدی که در ممالک اسلامی پدید آمده بود و هرکسی از گوشه ای قیام می کرد، خلفا به سرعت تغییر می کردند. چنان که در مدت امامت امام باقر (ع)، در مدت ۱۹ سال پنج خلیفه روی کار آمدند: ولید بن عبدالملک، سلیمان بن عبدالملک، عمر بن عبدالعزیز، یزید بن عبدالملک، هشام بن عبدالملک. با توجه به این شرایط، موقعیت مناسبی برای آن حضرت پدید آمد تا انقلاب علمی شان را آغاز کنند. بزرگانی از عام و خاص در اطراف ایشان جمع شدند و حقایق اسلام، لطایف اسلام و بالاخره معارف اسلام را منتشر کردند. از این روست که رسول اکرم (ص) به این امام بزرگوار لقب باقر دادند.

نعمتی می افزاید: امام (ع) ملقب به باقر است چون شکافنده علم هستند. ایشان علوم اسلامی را تعمیق بخشیدند و فروع آن را توسعه دادند. وی به اصحاب خاص امام باقر (ع) اشاره می کند و می گوید: این خواص و همچنین افرادی که از امام (ع) روایت نقل می کنند بیشتر از چندین هزار نفرند. ولی افراد بسیار مبرز در میان آنها وجود دارند که فخر شیعه هستند. وی ادامه می دهد: حضرت رسول (ص) به جابر بن عبد... انصاری فرمودند: ای جابر امید است که تو در دنیا بمانی تا فرزندی از من که از اولاد حسین است، ملاقات کنی که او را محمد نامند و او را 171#& بیقر علم الدین بقرا raquo: یعنی علم دین را به خوبی می شکافد. چشمه های همیشگی علم را از منبع وحی برای مردم جهان می شکافد و آن ها را از آب حیات بخش معارف قرآن بهره مند می کند.

وی می افزاید: دریای بی کران علم امام محمد باقر (ع) چنان با عظمت بود که حتی متعصبان و مخالفان اهل بیت (ع) نتوانستند این عظمت را پنهان کنند و در بعضی از کتاب های خود گفته اند: او شکافنده علم و محل تجمع علوم بود؛ قلبش چون آیین صاف بود و علم و عملش پاکیزه و نفسش مطهر و اخلاقیاتش شریف بود اوقات خود را به طاعت خدا می گذراند و چنان در مقامات عارفان رسوخ و نفوذ داشت که زبان توصیف کنندگان از بیان آن عاجز است.

رضایت به قضای الهی

این محقق و نویسنده، تعلیم معنوی امام پنجم (ع) را بسیار گسترده عنوان می کند و توضیح می دهد: مرحوم شیخ عباس قمی از جناب شیخ کلینی نقل کرده است که عده ای خدمت امام محمد باقر (ع) مشرف شدند و در آن زمان طفلی از آن حضرت مریض بود و آن جماعت آثار غم را در آن حضرت مشاهده کردند به حدی که آرامش ظاهر را از آن حضرت گرفته بود. آن جماعت گویند که نگران بودیم اگر مرگ آن کودک در رسد چه خواهد شد و چه حالی به آن حضرت دست خواهد داد. اندکی نگذشت و آن کودک وفات کرد و صدای ناله برخاست. اما امام باقر (ع) با حالتی متفاوت با آن چه از آن حضرت دیده بودیم بیرون آمدند و ناراحتی و اندوه قبل در

ایشان دیده نمی شد. جماعت سبب این حالت را پرسیدند. آن حضرت فرمودند: ما دوست داریم عافیت نصیب ما شود به گونه ای که ما دوست می داریم اما وقتی فرمان خدا در رسد و خداوند چیز دیگری حکم فرماید تسلیم شویم در آن چه او دوست می دارد. وی ادامه می دهد: این ماجرا به حقیقت جویان و دانش آموزان مکتب وحی می آموزد که تا آن جا که می توانند تلاش خود را برای آن چه عافیت و سلامتی است، به کار گیرند و وقتی خداوند چیز دیگری را برایشان می خواهد، تسلیم آن باشند. چرا که کمال انسان در آن است.

پایه گذاری دانشگاه بزرگ اهل بیت

وی امام محمدباقر(ع) را مرزبان بزرگ فکری و فرهنگی نام می دهد که نقش مهمی در نشر اخلاق و فلسفه اصیل اسلامی و جهان بینی خاص قرآن و تنظیم مبانی فقهی داشتند. به گفته وی در دوره امامت امام محمدباقر(ع) و فرزندشان امام جعفر صادق(ع) حوادثی مانند انقراض امویان، بر سر کار آمدن عباسیان، وقوع مشاجره های سیاسی، ظهور سرداران و مدعیانی چون ابوسلمه خلال و ابومسلم خراسانی و دیگران روی می دهد؛ در این دوران کتاب های فلسفی بسیاری ترجمه می شود و مجادلات کلامی پیش می آید و عده ای از مشایخ صوفیه، زاهدان و قلندران وابسته به دستگاه خلافت ظهور می کنند و به فعالیت می پردازند. این موارد عواملی بسیار خطرناک بود که باید حافظان و نگهبانان دین در برابر آنها می ایستادند. به همین دلیل امام محمدباقر(ع) و پس از ایشان امام جعفر صادق(ع) از موقعیت آن روزگار، برای نشر تعلیمات اصیل اسلامی و معارف حق بهره گرفتند و دانشگاه بزرگ اهل بیت(ع) را پایه ریزی کردند. این امامان بزرگوار و بعد شاگردانشان، وارثان و نگهبانان حقیقی تعلیمات پیامبر(ص)، ناموس و قانون عدالت بودند و به تربیت شاگردانی عالم و عامل و یارانی شایسته و فداکار پرداختند و فقه آل محمد(ص) را جمع آوری، تدوین و تدریس کردند.

نمونه ای از علم امام(ع)

وی در ادامه سخنانش با بیان این که در مکتب تربیتی امام باقر(ع) علم و فضیلت به مردم آموخته می شد، می افزاید: ابوبصیر می گوید: در خدمت امام محمدباقر(ع) وارد مسجد شدم. جمعیت زیادی در رفت و آمد بودند. امام(ع) به من فرمودند: از مردم بپرس آیا امام باقر(ع) را می بینید؟ از هرکس که پرسیدم ابا جعفر را دیدی می گفت نه با این که آن حضرت در کنار من ایستاده بودند تا این که ابوهارون نابینا نیز آمد. حضرت باقر(ع) فرمودند: از او بپرس؛ گفتم: امام محمدباقر(ع) را دیدی؟ گفت: آری ایشان همین جا ایستاده اند.

گفتم از کجا فهمیدی؟ گفت: چگونه ندانم در صورتی که آن جناب نوری است درخشان و آفتابی است تابان. آن گاه ابوبصیر ادامه می دهد: شنیدم از امام(ع) با مردی که از اهل آفریقا بود صحبت کردند و فرمودند: حال راشد چطور است؟ عرض کرد: حالش خوب است و به شما سلام رساند. امام(ع) فرمودند: خدا رحمتش کند. مرد گفت: مگر از دنیا رفته است؟ فرمودند: بله. گفت: چه موقع. فرمودند: دو روز بعد از بیرون آمدن تو. مرد گفت: به خدا قسم مریض نبود و هیچ علتی برای مرگش وجود نداشت! امام(ع) فرمودند: بالاخره مرگ فرا می رسد و یا به مرض و یا به علتی. ابوبصیر می گوید: عرض کردم راشد چطور فردی بود؟ فرمودند: مردی دوستدار و محب ما بود. سپس فرمودند: آیا خیال می کنید که ما چشم و گوشی نداریم که از وضع شما با خبر شویم چه خیال باطلی! سوگند به پروردگار هیچ یک از اعمال و رفتار شما برای ما مخفی نیست و همگی نزد ما حاضر است پس خویشتن را به کارهای خیر عادت دهید و اهل خیر باشید و بدانید که به این موضوع مهم فرزندان و شیعیانم را امر می کنم.

نعمتی این حدیث ناب را حاوی نکته های تربیتی ویژه ای می داند و توضیح می دهد: امام(ع) با نشان دادن کرامت خود به اصحابشان این نکته را یادآوری می کنند که معرفت امام(ع) و حجت خدا برای هر کسی میسر و ممکن نیست بلکه تنها کسانی که گوش و چشم دل خود را برای پذیرش حقیقت و تسلیم شدن در برابر آن باز کرده اند قدرت دیدن حقیقت را دارند. وی ادامه می دهد: علاوه بر این انسان اگر بداند مدت اقامتش در دنیا مانند اقامت در مسافرخانه ای است که باید از آن خارج شود، دیگر از خبر فوت ناگهانی کسی متعجب نمی شود چرا که فوت هرکس یعنی پایان مدت اقامت او در مسافرخانه دنیا و جایگزین شدن دیگری به جای او؛ چرا که دنیا جایگاهی برای آمد و رفت انسان ها و آزمایش آن ها و کسب لیاقت برای زندگی جاودانه است. وی حاضر و ناظر دانستن ائمه(ع) را بر کلیه اعمال پنهان و آشکار انسان، نکته سومی می داند که در این موضوع قابل تامل است و می افزاید: انسان وقتی شخص محترمی را بر اعمال خود ناظر و شاهد ببیند عملش را به بهترین شکل و به طور شایسته و انسانی انجام می دهد. از این رو شایستگی در همه حالات و امور روزمره با او آمیخته و اخلاق و افکارش به سوی کمال خواهد بود.

سخنان اخلاقی امام باقر(ع)

این پژوهشگر همچنین روایاتی از این امام بزرگوار(ع) نقل می کند و می گوید: حضرت امام محمدباقر(ع) می فرماید: «حسد، ایمان را می خورد، چنان که آتش، هیزم را.« ایشان در روایتی دیگر درباره صفت ناپسند دروغ نیز می فرمایند: «دروغ، ویران کننده ایمان است.«

نویسنده : دانش پور